



پژوهش و گفتار

محیط زیست از نظر اسلام و بهسازی محیط زیست شهر تهران

محمد واعظ زاده خراسانی

نویسنده این سطور نه متخصص شهرسازی است و نه کارشناس محیط زیست، از من مقاله‌ای خواستند من هم مانند دیگران در بر خورد دائم با مشکلات فراوان شهر تهران، پیشنهادهاى پراکنده‌ای را که همواره به فکرم می‌رسید ارائه می‌دهم شاید در لیست سایر طرحهای رسیده مربوط به حل مشکلات تهران، مورد مطالعه متخصصان قرار گیرد ولی از باب مقدمه بحث دیگری را طرح کردم به عنوان:

محیط زیست از نظر اسلام

و در این خصوص فقط مروری بر آیات قرآن تحت عناوین ذیل خواهم داشت.

طیب و خبیث

طیب و طیبات در قرآن بارها در برابر خبیث و خبیثات به کار رفته است از جمله:

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ

المائدة ۱۰۰

(بگو خبیث و طیب با هم برابر نیستند هر چند کثرت خبیث تو را به شگفت آورد).

وَلَا تَسْبُدْ لَوَا الْخَبِيثِ بِالطَّيِّبِ

النساء ۲

(خبیث را به جای طیب بدل نگیرید).

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ

النور ۲۶

(زنان خبیث از آن مردان خبیث، و مردان خبیث از آن زنان خبیثند، و بالعکس، زنان پاک

از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند).

در این آیات به ترتیب چند مطلب آمده است:

۱- مقایسه میان طیب و خبیث و نابرابری و عدم مساوات طیب و خبیث و تذکر این که این مطلب از واضحات است و نیاز به یاد آوری ندارد نظیر این که در مورد دانشمندان و جاهلان می‌گوید (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) در حقیقت داوری در این امر اقرآن به عقل مردم و وجدان و فطرت و اگذار فرموده که هیچ تردید و شکی در آن وجود ندارد.

۲- خداوند با عنایت خاص در صدد جداسازی طیب از خبیث است و لازم می‌داند که این دو طبقه از مردم باید از هم جدا و شناخته شوند. و طبعاً هر کدام به سرنوشت خود برسند و همچنین چیزهای طیب از خبیث جدا شود. بنا بر این در مورد مفهوم طیب و خبیث چه در باره انسان و یا چیزهای دیگر ما نیاز به تعریف خاص جز همانچه همه می‌فهمند نداریم طیب و خبیث یعنی: نیک و بد، پاک و ناپاک، پسند، و ناپسند و از این قبیل مفاهیم.

حَلِيتَ طَيِّبَاتٍ وَ حَرَمْتَ خَبَائِثَ

در مورد خوراکیها قرآن میزان حلیت و حرمت را طیب و خبیث دانسته بارها راجع به حلیت

طبیات و حرمت خبائث بحث کرده است.

وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ.

(خداوند طیبیات را حلال و خبائث را برآنان حرام کرده است).
الْيَوْمَ أَجِلُّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ

مائده ۴

(امروز طیبیات برای شما حلال شد).
يَسْتَلُونَكَ مَاذَا أُجِلَّ لَهُمْ قُلْ أُجِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ

مائده ۳

(از تو می پرسند که برای آنها چه چیز حلال شده است بگو طیبیات).

روزی از طیبیات

كلوا من طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

بقره ۵۷ و آیات دیگر

(از طیبیاتی که به شما روزی کردیم بخورید).
يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً

المؤمنون ۵۱

(ای رسولان از طیبیات بخورید و عمل صالح انجام دهید).
وَرَزَقْنَاكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

انفال ۲۶ و آیات دیگر

(بشما از طیبیات روزی کردیم تا سپاس بگذارید).

انفاق از طیبیات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ

بقره ۲۶۷

(ای مؤمنین از طیبیاتی که به دست آورده اید انفاق کنید)

همان طور که خود انسان از طیبیات استفاده می کند در هنگام انفاق به دیگران هم باید
منحصراً از طیبیات انفاق کند.

سخن طیب و خبیث

همانطور که خوراکیها طیب و خبیث دارند سخنان نیز چنین هستند:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ ...

ابراهیم ۲۴

(آیا نمی بینی خداوند چگونه سخن طیب را به درخت طیب مثل می زند؟)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ...

ابراهیم ۲۶

(و مثل سخن خبیث مانند درخت خبیثی است که در سطح زمین روئیده است « و ریشه ندارد »)

تَحِيَّتِ طَيِّبِ

فَسَلِّمُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ

النور ۶۱

(بر خود سلام کنید که این تحیتی است مبارک از خداوند)

بر خوردها و تعارفها و تحیتها هم باید طیب باشد که اگر طیب بود مبارک و دارای برکت خواهد بود.

بلده طیبه

قرآن راجع به شهر و قریه، وصف طیب را به کار برده و مردم را به آن ترغیب نموده است:

كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ

سباء ۱۵

(از روزی خدا بخورید و او را سپاس گوئید، شهری پاک و پروردگاری آمرزنده)

این آیه خود جنبه های مختلف بلدة طیبه و مردم طیب را از لحاظ عقیدتی و اخلاقی و

توحیدی در بر دارد. در بلدة طیبه مردم، موحد و شاکر هستند، روزی خدا را می خورند و او را

رب غفور می دانند و نظیر آن راجع به بنی اسرائیل در دوران سیادت آنان می گوید:

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَوَّأً صِدْقِي وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

یونس ۹۲

و همانا بنی اسرائیل را در مسکنی راست و درست جا دادیم و از طیبیات به آنها روزی خوراندیم (مبوء صدق)، یعنی محل سکنی و آرامش راست و درست که با روزی از طیبیات هم آهنگ است.

قریه‌های آمنه و ظالمه و مساکن ستمکاران و نیهکاران

در همین رابطه قرآن، از قرای امن و مطمئن و دارای رفاه و نیز قرای ظالمه و فاسقه سخن می‌گوید، قرای آمنه را می‌ستاید و قرای فاسقه را مورد نکوهش و تحقیر قرار می‌دهد و سبب ویرانی و تباهی قریه‌ها و انقراض ساکنان آنها را همان خصلت‌های ناپسند می‌داند که به دو آیه اشاره می‌شود:

۱- وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

النحل ۱۱۲

خداوند قریه امن و مطمئن را مثل می‌زند که روزی اش به طور گسترده و فراوان از نقاط دیگر می‌رسد ولی مردمش نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند پس خداوند در برابر عملشان لباس گرسنگی و ترس را به آنها پوشانید و طعم آن را به آنان چشانید.

در این آیه نیز جنبه‌های اخلاقی و اقتصادی توأم با هم برای رفاه و سعادت یک شهر و یا بدبختی و محرومیت آن آمده است. ایمان، امنیت، آرامش خاطر، روزی فراوان یا اصداد آنها باهم ملازم هستند.

۲- وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا

الاسراء ۱۶

هرگاه اراده کنیم قریه‌ای را هلاک کنیم دست مترفین را باز می‌گذاریم که در آن اعمال فسق را رواج دهند.

بنابر این باعث ویرانی شهرها مردمان عیاش و خوشگذران و ثروتمند و فاسق پیشه هستند.

راجع به همین موضوع دو داستان از قرآن نقل می‌کنیم:

اول: در سوره کهف، از آیه ۳۲ تا ۴۴ داستان دو مرد را مثل می‌زند که یکی از آن دو

دارای دو باغ (جنتین) بود با انگورهای متنوع که پیرامون آن را درختهای خرما احاطه کرده بود و در لابلای آنها نهرهایی از زمین می جوشید و هر دو باغ به ثمر رسید و میوه داد بدون هیچ کمی و کاستی، اما این مرد قدر نعمت نشناخت و با ریفش به جدال پرداخت، و به او فخر کرد و گفت من از تو مال بیشتر و نفرات و فرزندانى نیرومندتر دارم. او داخل باغ شد در حالی که با این فخر فروشی و غرور به خود ستم روا داشت و گفت فکر نمی کنم این باغ هرگز آسیب ببیند و همواره پاینده است و گمان ندارم قیامتی وجود داشته باشد و بر فرض که باشد و من نزد پروردگارم بروم حتماً بهتر از این باغ خواهم یافت.

و در حالی که با او جدال می کرد. ریفش به او گفت: آیا به کسی که تو را از خاک سپس از نطفه آفریده و آن گاه تو را مردی کامل و سالم ساخته است کفر می ورزی؟ اما من اعتراف می کنم که الله رب من است و هرگز به پروردگار خود شرک نمی ورزم. تو چرا هنگامی که وارد باغ شدی نگفتی (مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ): (هر چه خدا بخواهد که نیرویی جز از سوی خدا وجود ندارد). اگر می پنداری من از تو مال و فرزند کمتر دارم پس امید است پروردگارم بهتر از باغ تو نصیب کند و بر باغ تو صاعقه ای از آسمان ببارد و آن را به زمین خشک تبدیل کند یا این که آب آن فروکش کند و دیگر نتوانی آب به دست آوری.

ناگهان ثمرات باغ، مورد هجوم و احاطه عذاب الهی قرار گرفت، پس آن مرد دستش را زیرورو می کرد و تأسف می خورد بر بولهایی که در آن باغ مصرف کرده بود و در حالی که آن باغ زیرورو شده بود، با پشیمانی و ندامت می گفت: ای کاش به پروردگارم شرک نمی ورزیدم. و دیگر یارانی به غیر از خدا نداشت که بداد او برسند و یاری اش دهند. در این جا بود که ولایت و حمایت خداوند بحق ظاهر شد که او بهترین پاداشها و عاقبت خیر را به هر کس بخواهد عنایت می کند و هیچ نعمت و نعمتی جز از طرف خدا و از راه پرستش و یا شرک به او حاصل نمی شود.

در این داستان، رفاه زندگی و نعمت محیط زیست سالم و باغهای سرشار از میوه، با عقیده به خدا و سپاس و شکر او و اجتناب از شرک و فخر فروشی و غرور و خودبینی، گره خورده است و این اوصاف بد باعث زوال آن نعمت، به شمار آمده است.

دوم: داستان قوم سبا که قومی خوشبخت بودند و همین ناسپاسی باعث بدبختی آنها شد. در محل سکناى ایشان دو باغ در چپ و راست آنها را احاطه کرده بود و خداوند می فرماید

که به آن قوم خوشبخت توصیه کردیم که از روزی خدا بخورید و او را سپاس گویند و توجه کنید که مسکن شما شهری پاک و سالم و پروردگارتان آمرزنده است: (بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ) و اگر ادامه این نعمت را طالبید باید به آنچه توصیه شد توجه داشته باشید، اما آن قوم، از این امر اعراض کردند و به توصیه خدا و قعی ننهادند، خدا هم سیل عرم را بر آنها جاری ساخت، و همه چیز را از میان برد که جزء داستانهای عبرت آمیز بشر به شمار می آید و در عوض، آن دو باغ پر میوه را، به دو سرزمین خشک با درختهای بیابانی خودرو با میوه های تلخ و اندکی درخت سدر، تبدیل فرمود. و میان آنان و شهرهای پر برکت، بیابانی خشک را فاصله انداخت. آنان به خود ستم روا داشتند خدا هم آنان را جزء داستانهای تاریخی قرار داد که تنها حکایت آنها بر سر زبانها است و از خود ایشان اثری به جای نمانده است.

در برابر مساکن طیبه و مساکن بهشتی، قرآن، از مساکن تبهکاران یاد می کند تا مردم بتوانند این دو نوع مسکن را با هم بهتر مقایسه کنند و به امتیازهای مسکن خوب پی ببرند:

وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

ابراهیم ۴۵

(شما در مساکن ستمکاران سکنی گزیدید)

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ

سجده ۲۶

(آیا برای آنان روشن نشده است که ما پیش از ایشان در قرون گذشته اقوامی را هلاک کردیم و اینک ایشان در مسکنهای آن اقوام راه می روند همانا در این امر نشانه هایی است آیا گوش شنوا ندارند؟)

شهر و زمین پر برکت

قرآن بارها از قریه و زمین پر برکت به نیکی یاد می کند از جمله:

... إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ

الاسراء ۱

(پیغمبر را سیر دادیم تا مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت داده ایم)

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا

المؤمنون ۲۹

(بگو خدایا مرا در منزلی مبارک فرود آور)

مراد از زمین و منزل پر برکت، شهرهای آباد و پر نعمت و همچنین جاهای امن و سالم و مقدس است.

مسکن طیب و پاک

ما اینک کم کم به بحث مورد نظر نزدیک می شویم آنچه در بالا ذکر شد همه در مورد مسکن صادق است اما قرآن کلمه مسکن و مساکن را با همین اوصاف نیک و بد مورد عنایت قرار داده است.

نسبت به مسکن خوب و دارای محیط زیست سالم می گوید:

لَقَدْ كَانَ لِنَبَاٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ

سباء ۱۵

(برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) دو باغ از راست و چپ بود.)
ذکر دو باغ در طرف راست و چپ شهر، پارکهای سرسبز اطراف شهر را برای ما تداعی می کند و قوم سبا قومی خوشبخت و مرفه بودند و در چنین شهری سکونت داشتند.
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا

التوبة ۲۶

(تجارتی که از کساد آن می ترسید و مسکنهایی که باعث رضایت شما است).
در این جا تجارت و اقتصاد در کنار مسکن مورد رضایت آمده است زیرا این دو چیز لازم و ملزوم هم اند کما این که قرآن بارها رفاه اهالی یک شهر را رسیدن خواربار و زیادی خوراکیها و ارزاق می داند از جمله در آیه گذشته (ضَرَبَ اللَّهُ قَرْيَةً) که راجع به «قریه امنه» فرمود: روزی اش فراوان از همه جا به آن می رسد.

مساکن بهشتی

پیداست مساکن بهشتی بهترین مسکنهاست، قرآن آنها را طوری توصیف می کند که ما

می‌توانیم در دنیا آنها را الگو قرار دهیم، آنها را به عنوان «مَسَاكِنَ طَيِّبَةً» «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» می‌ستاید که برای ما چنین تداعی می‌شود حتماً شرط مسکن طیب، فضاهای سبز و آبهای جاری است:

وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ

الصف ۱۲

(و شما را در باغهایی که زیر درختانش نهرها جاری است و همچنین در مسکنهای پاک و طیب و جاوید داخل کردیم).

جالب توجه است بهشت را «جَنَّت» به معنای باغ نامیده و شصت‌وشش بار این کلمه را تکرار نموده است، و جالب‌تر آنکه بارها بهشت را «جَنَات»؛ باغها، نام برده که هر کس در بهشت دارای باغهای فراوان است. کلمه «جَنَات» نیز شصت‌ونه بار در قرآن تکرار شده است. کما این که غالباً از نهرهای بهشتی به صورت جمع «أنهار» که در سطح زمین و زیر درختان جاری هستند یاد کرده است.

حیات طيبة و مسکن نمونه اسلام

با سیری در آیات قرآن نسبت به زندگی پاکیزه و ناپاک و شهرها و مسکنهای خوب و بد، و سرگذشت اقوام صالح و ناصالح، اینک به سخنی در قرآن برمی‌خوریم که در حقیقت تمام مطالب گذشته را در خود جای داده و می‌تواند برای ما الگوی زندگی خوب و طیب و معرف محیط زیست سالم باشد و آن دو کلمه «حیات طيبه» است که خاص صالحان است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

النحل ۹۷

(هر کس از مرد و زن عمل خوب انجام دهد در حالی که ایمان دارد ما او را حیات طيبه و زندگی خوب می‌دهیم و پاداش آنان را برابر بهترین عمل ایشان خواهیم پرداخت).

مگر هدف از بهسازی محیط زیست، زندگی خوب نیست؟ پس باید دید این محیط زیست، باید چه شرایطی باشد تا زندگی و زیستن در آن «حیات طيبه» باشد مسلماً خصایصی که اکنون معمولاً از نظر محیط زیست در دنیا ملحوظ می‌باشد یعنی: نظافت، آرامش، عدم

تراکم جمعیت، سهولت رفت و آمد در معابر و خیابانها و جاده‌ها، وجود فضای سبز، هوای پاکیزه، آبهای جاری، راههای متعدد، ارزاق فراوان و بازارهای پربار، همه مورد قبول اسلام و قرآن نیز هست.

و حتی به شرحی که گفته شد اسلام، بدان ترغیب و تشویق هم کرده است. بعلاوه مسلمانان، در اوج ترقی خود چنین شهرها و محیطهای زیست را به وجود آورده‌اند و شرح آن را باید در سرگذشت شهرهای آندلس، مصر، شام، عراق و نیز شهرهای ایران و سایر نقاط اسلامی ملاحظه کرد.

ولی نکته مهم که شاید در شرایط محیط زیست در دنیای کنونی ملحوظ نباشد و قرآن، بر آنها، تأکید دارد، همان مسائل اخلاقی و معنوی است: امانت؛ امنیت؛ ایمان و عقیده به خدا؛ شاکر بودن؛ صالح بودن؛ نبودن ظلم، فسق، تجاوز، تعدی و امثال اینها، لازمه محیط زیست سالم است و الا فرض کنیم شهر ما از تمام مزایای محیط زیست معمولی برخوردار باشد ولی امانت، عدالت، روح سپاسگزاری و حقشناسی، صلاحیت عملی و اخلاقی و از همه بالاتر ایمان به خدا که منشأ همه این امور است، وجود نداشته باشد مسلماً زیستن در آن شهر، باعث و مایه «حیات طیبه» نخواهد بود.

بهبودی محیط زیست تهران

پیداست تهران، شهری است که از اول طبق نقشه و برنامه بنا نشده است بلکه دهی بوده که بتدریج تبدیل به شهر گردیده است. و در حدود دویست و اندی سال پیش، پایتخت کشور پهناور ایران، از شهرهای دیگر مانند قزوین، اصفهان و شیراز، به آن جا منتقل شده است. بدون این که در نظر گرفته شود آیا این شهر چقدر جمعیت را باید در خود جای دهد و بدون این که دولتها درصدد کنترل جمعیت و تحدید حدود شهر برآیند. این شهر به طور خودرواز لحاظ جمعیت و مساحت، گسترش یافته تا به پایه فعلی رسیده است.

با این اوصاف، طبیعی است که تهران دچار مشکلات فراوان و تقریباً فاقد همه شرایط شهرسازی و محیط زیست باشد. بنابراین کسی مدعی نیست که می‌توان همه مشکلات این شهر را مرتفع کرد، آنچه در این سطور مطرح است و یا دیگران پیشنهاد می‌کنند همان بهسازی محیط این شهر بزرگ است که لااقل برخی از مشکلات آن تا حد قابل قبول و قابل

زیستن مرتفع گردد. آلودگی هوا، سختی ترافیک، تراکم بیش از حد جمعیت، نداشتن فضای سبز به مقدار کافی، تنگی خیابانها و کوچه‌ها، فقدان پلهای عبور، نبود بازارها و محل کسب با امکانات ضروری و دهها مشکل دیگر از این قبیل، تهران را احاطه کرده است.

اینک پیشنهاد ما منحصر است به راه حل تراکم جمعیت، عبور و مرور داخل و خارج شهر، بهسازی هوا و مسکن و محل کسب و کار، و سخن خود را در دو بخش دنبال می‌کنیم:

بخش اول- پیشنهادها و طرحها

بخش دوم- راه اجرای آنها

بخش اول: پیشنهادها و طرحها

به تصور ما راههای خلوت کردن شهر تهران و از بین بردن تراکم جمعیت که قهراً در بهسازی هوا و مسکن و تجارت هم مؤثر است، عبارتند از:

۱- بیرون بردن انبارها و تعمیرگاهها از داخل شهر به خارج شهر، مسلماً انبارها، مشکلات فراوان از جمله، تردد هزاران کامیون به داخل شهر و آلودگی هوا و فشار ترافیک و تعمیرگاههای زیاد را به دنبال دارد بدون این که ضرورتی برای بودن آنها در داخل شهر وجود داشته باشد.

این کار که مسلماً در رتبه اول اولویت قرار دارد، نخست باید از انبارهای دولتی و در رأس همه، انبارها و کلیه تعمیرگاههای راه آهن آغاز شود. پیشنهاد می‌شود در مسافتی حدود پنجاه کیلومتر خارج از تهران در مجاورت راه آهن و جاده‌های عمومی، شهری با همه امکانات جهت تمرکز، انبارها و تعمیرگاههای دولتی و غیر دولتی احداث شود. پیداست تمرکز انبارها در خارج شهر مستلزم بیرون بردن کلیه مراکز حمل و نقل و باربری و گاراژها و نیز تعمیرگاههای کامیون، و فروشگاههای لوازم کامیون، و بسیاری از مؤسسات وابسته به آن است. از جمله ساختن آپارتمانهایی در همان شهر برای کامیون‌داران. کارگران تعمیرگاهها، و انبارها، این کار علاوه بر آن که موجب خلوت شدن شهر تهران خواهد بود فواید ذیل را در بردارد:

اولاً: حدود سه چهار هزار کامیون، که عمده در جنوب شهر تردد دارند و از علل عمده آلودگی هوا و سنگینی ترافیک اند از ورود به شهری نیاز می‌شوند.

ثانیاً: چندین هزار نفر از مردمی که به خاطر انبار و کامیون و تعمیرگاه و جز آن در داخل شهر بدون امکانات رفاهی، زندگی و رفت و آمد می‌کنند، می‌توانند در مجاورت «شهر انبار» از زمینهای دولتی و آپارتمانهای ارزان قیمت و محیط زیست سالم‌تر و امکانات بیشتر استفاده کنند.

ثالثاً: تعلیم و تربیت این عده از مردم و خانواده‌آنان که به تناسب شغل قهراً نیاز بیشتری به ارشاد و هدایت هم دارند آسانتر می‌شود.

رابعاً: در ترافیک شهر و صرفه‌جویی در وقت این کارگران و کمک‌رسانی تعاونی و فرهنگی و بهداشتی کم خرج به آنها مؤثر خواهد بود.

۲- بیرون بردن کارخانه‌های باقیمانده در داخل و حومه شهر که اولویت درجه دوم دارند و تمرکز آنها در کنار کارخانه‌های دیگر، واقع در جاده کرج یا جای دیگر، که قهراً باید شهرکهای کارگری با همه نیازها و وسایل رفاهی با هزینه صاحبان کارخانه‌ها و با تسهیلات دولتی و همیاری شهرداری در نزدیکی کارخانه‌ها ساخته شوند. این عمل به طور عمده، ثمرات ذیل را به دنبال دارد:

اولاً: آلودگی هوا که ناشی از این کارخانه‌ها و وسایل حمل و نقل باری و مسافری است از بین می‌رود.

ثانیاً: کارگران این کارخانه‌ها از رفاه بیشتر و امکانات بهتر بهره‌مند می‌شوند و در وقت و رفت و آمد آنها صرفه‌جویی خواهد شد.

ثالثاً: مشکل ترافیک ناشی از تردد کامیونها و وسایل حمل و نقل شهری به این کارخانه‌ها از بین می‌رود.

رابعاً: تربیت و تعلیم و کنترل اخلاقی ناشی از استضعاف این قشر، از میان برداشته می‌شود.

۳- بیرون بردن کلیه پادگانهای نظامی به خارج شهر و تمرکز آنها در نقاط مناسب نظامی اطراف تهران، این کار که به نظر می‌رسد از نظر اولویت در درجه سوم قرار دارد، به نوبه خود ثمرات ذیل را در بردارد:

اولاً: به خلوت شدن داخل شهر و سبک شدن ترافیک کمک می‌کند.

ثانیاً: از اختلاط و آمیزش دائمی نیروهای نظامی با مردم شهر که ممکن است تبعات

ناخوشایندی به دنبال داشته باشد جلوگیری می‌شود.

ثالثاً: امکان استفاده بهتر از کادر نظامی به هنگام ضرورت و آمادگی بیشتر این نیروها را برای عملیات فوری در بردارد.

رابعاً: زمین آزاد شده پادگانها که غالباً در نقاط قدیمی و کهنه شهر و در مراکز پر جمعیت قرار دارند در ایجاد پارکینگ و مدرسه و سایر نیازها در طرح نوسازی شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- بیرون بردن سفارتخانه‌ها که در رتبه چهارم اهمیت قرار دارد، و تمرکز آنها در شهرکهای خوش آب‌وهوای خارج تهران و در ارتفاعات شمال شهر، این شهرک باید قبلاً تسطیح و خیابان‌کشی و مجهز به همه امکانات شهری شود. بعلاوه در کنار و نزدیک یکی از بزرگراههای متصل به نقطه مرکزی شهر و فرودگاه مانند ارتفاعات راه کرج تهران احداث شود، و مسلماً مزایای فراوانی در بردارد به شرح ذیل:

اولاً: مساحت‌های زیادی در بخش مرکزی و پر ترافیک شهر، آزاد می‌شود و در سایر برنامه‌های نوسازی و خلوت کردن شهر که قبلاً گفته شد مورد استفاده قرار می‌گیرد. ثانیاً: در کیفیت تردد دیپلمات‌های بیگانه در داخل شهر و در مسائل حفاظتی آنان مؤثر است.

ثالثاً: از لحاظ سیاسی کنترل سفارتخانه‌ها و ارتباطات داخلی آنان آسانتر خواهد بود.

رابعاً: آزادی بیشتر کادر سفارتخانه‌ها در زندگی داخلی تأمین می‌شود.

باید به آنچه گفته شد دو نکته را اضافه کرد:

اول: زمین این شهر قبلاً باید کاملاً آماده و تحویل داده شود تا ساختمان سفارتخانه‌های جدید توسط خود آنها آغاز گردد.

دوم: جهت مراجعه مردم می‌توان محلی را در داخل شهر جهت قنسولگریها در نظر گرفت.

۵- ادامه بزرگراهها تا مرکز شهر و اتصال آنها به اتوبانهای خارج شهر و احداث پلهای عبور در نقاط تلاقی خیابانها با بزرگراهها، این عمل تردد داخل شهر و بیرون رفتن از شهر را که الآن در بخش شرقی و حتی جنوبی و غربی شهر، با معطلی فراوان توأم است آسان می‌کند.

۶- انتقال منزلها و مغازه‌های کهنه و متراکم در نقطه مرکزی شهر به محل دیگر به شرحی

که در بخش دوم به عنوان راه حل خواهم گفت و تبدیل محل آنها به پارک و پارکینگ و سایر مراکز رفاهی یا آموزشی که قهراً باید زمینهای مناسبی در نزدیکی شهر جهت آپارتمان سازی برای صاحبان منازل در نظر گرفت.

۷- شروع به نوسازی جنوب شهر و سایر نقاط قدیمی با استفاده از زمینهای آزاد شده از راه اجرای بندهای سابق به شرحی که خواهد آمد.

۸- احداث محله‌ای جهت تمرکز مسافرخانه‌ها و هتل‌های متوسط در نقطه‌ی حد فاصل میان مرکز شهر و ایستگاه راه آهن و ترمینال جنوب، با استفاده از زمینهای آزاد شده طی نوسازی جنوب شهر. این کار مسلماً فواید بسیاری برای مردم شهر و برای خود مسافران در بردارد و به بهتر شدن ترافیک کمک می‌کند.

۹- احداث بازارهای گوناگون در کنار بزرگراهها به منظور انتقال مغازه‌های بین شهری به آنها با همه امکانات به شرحی که خواهیم گفت.

بخش دوم راه اجرای طرحها

پیاده کردن و اجرای طرحهای یاد شده متوقف بر رعایت چند اصل کلی و چند طرح موردی است.

اصول کلی

اول، تعهد و التزام به حفظ حقوق کامل مردمی که در این نقل و انتقالها وارد و بدلهای طرف حساب شهرداری و دولت هستند، و اجتناب جدی از سرگردانی و پیدایش وقفه و رکود در زندگی آنها که مسلماً نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و مجریان دلسوز و درد آشنا دارد، در اجرای طرحها همواره توجه شود تا وقتی که عوض منزل و مغازه را به صاحبان آنها تحویل نداده‌اند، کسی را از لانه و کاشانه‌اش آواره نکنند.

دوم، بلند نظری شهرداری و کلیه مجریان طرحها در پرداخت پول یا واگذاری منازل و مغازه‌های معوض و اعطای وام و تحویل مصالح ساختمانی و پرداخت عوارض شهری و جز اینها به طوری که مردم احساس خسارت نکنند بلکه خود را در این معامله برنده بدانند، این امر نیز نیاز به تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق دارد.

سوم، شریک کردن صاحبان ثروت و متخصصان. در کلیه برنامه‌ها از جمله در آپارتمان‌سازی، بازسازی، انبارسازی‌ها و نحو آن با در نظر گرفتن سود معقول تضمین شده و اعطای تأمینهای لازم.

چهارم، نظارت دقیق شهرداری و دولت بر اجرای کلیه کارها و تماس دائم با افراد ذی‌حق، بدون کاغذبازی و وعده‌های دور و دراز، توسط کارگزاران امین که از آغاز خرابی منزل یا مغازه کسی تا پایان پرداخت حقوق وی شخصاً با صاحب حق در تماس باشند و به محل اجرای طرح رفت و آمد نمایند و کسی را به این اداره و آن اداره حواله ندهند.

پنجم، توجیه و تبیین طرحها برای مردم و اطمینان دادن به ایشان که طرحها به مصلحت آنان است و به طور منظم مردم را در جریان کارها قرار دادن.

ششم، رعایت سنتهای ملی و مذهبی در آپارتمان‌سازی و بازارسازی.

هفتم، در نظر گرفتن فضاهای رفاهی در کلیه طرحها اعم از آپارتمان‌سازی، بازارسازی، شهرکهای «مسافر»، «انبار»، «کارگری» و جز آنها.

هشتم، که شاید از همه مهمتر باشد در نظر گرفتن اولویتهای یاد شده و امکانات موجود، با برنامه‌ریزی دقیق به شرحی که خواهیم گفت.

طرحهای موردی

دادن معوض

برای ادامه بزرگراههای داخل شهر و نیز انتقال مغازه‌ها و منازل فرسوده و متراکم و نوسازی جنوب و مناطق کهنه شهر. مسلماً نیاز به دادن معوض خواهد بود زیرا شهرداری و دولت از عهده پرداخت پول بر نمی‌آیند و تحویل معوض باید بنا بر اصل اول و سایر اصول قبل از تخریب صورت گیرد.

لهذا باید به تناسب مرغوبیت محلات بالا و پایین و وسط شهر، زمینهایی را در اطراف شهر جهت معوض این اماکن در نظر گرفت که قبلاً خیابان‌کشی و دارای امکانات شهری شده باشد و حتی الامکان ساخته تحویل گردد.

به نظر می‌رسد کیفیت دادن معوض منازل با مغازه‌ها، فرق دارد و باید به طریق ذیل عمل

شود:

کیفیت تعویض منازل

در این کار باید همه اصول هشتگانه سابق، دقیقاً در نظر گرفته شود و الا شهرداری موفق نخواهد بود و پس از رعایت آن اصول، کار تعویض به یکی از دو کیفیت صورت می‌گیرد:

اول: زمین در برابر زمین با پرداخت وجه یا زمین اضافی در ازای ساختمان.

دوم: واگذاری آپارتمان در مناطق نوسازی شده داخل و یا مناطق نو بنیاد خارج شهر که بعداً راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

کیفیت تعویض مغازه‌ها

همان طور که در بند ۹ گفته شد لازم است جهت خلوت کردن شهر تهران بازارهایی در کنار بزرگراهها از جمله بزرگراه شهید چمران که منطقه وسیعی در طرف مسیل، زمین خالی وجود دارد، ساخته شود در بنای این بازارها لازم است نکات ذیل رعایت شود:

اولاً: بازارها یا پاساژها چند طبقه باشد تا گنجایش مغازه‌های بیشتری را داشته باشد و در زمین صرفه جویی شود.

ثانیاً: راههای ورود و خروج از بزرگراههای متعدد داشته باشد تا رفت و آمد به آنها از نقاط مختلف شهر آسان و ترافیک اطراف آن سبک باشد.

ثالثاً: به مقدار کافی پارکینگ، فضای سبز، وسایل بازی و سرگرمی بچه‌ها و رستوران داشته باشد.

رابعاً: از احداث چنین بازارهایی در مرکز شهر در مناطق تخریب شده و در کنار شهرک مسافر و نزدیک به بازار قدیمی تهران نباید غفلت شود.

و اما در کیفیت تعویض و واگذاری مغازه‌های جدید باید نکات ذیل ملحوظ گردد.

اولاً: کلیه اصول هشتگانه در نظر گرفته شود.

ثانیاً: در واگذاری معوض، تناسب مرغوبیت میان مغازه‌های تخریب شده و مغازه‌های واگذاری دقیقاً رعایت گردد. و همچنین مقدار گنجایش و مساحت آن دو.

ثالثاً: طبقات بالا را به خیاطان، پزشکان و ارباب حرفه و صنعت دستی اختصاص دهند، و طبقات پایینی را به فروشندگان کالاها، و سعی شود همه اصناف در آنجا وجود داشته باشند تا در رفت و آمد مردم صرفه جویی شود و کسی که برای خریدن جنسی می‌رود بتواند نیازهای

دیگر خود را برآورده سازد و نیز سعی شود مغازه‌های دارای کارگاه بزرگ جدا از مغازه‌های فروشنده باشد.

رابعاً: حتی‌الامکان بازارها صنفی باشد و هر صنف در یک محل متمرکز شوند این عمل در جلب مشتریان و سهولت خرید بهتر و کنترل صحیح مؤثر است.

خاصاً: در واگذاری مغازه‌ها، مقررات خاص و مجریان دلسوز لازم است تا حقوق مردم کاملاً رعایت گردد و مردم از نقل مکان به محل جدید استقبال کنند.

سادساً: انتقال از محل قدیم به محل جدید پس از اتمام ساختمان به طور دفعی و در یک زمان انجام گیرد تا رکودی در کار و کسب مردم و سرخوردگی پیش نیاید.

سابعاً: همان طور که بعداً در مورد آپارتمان‌سازی خواهیم گفت بخشی از مغازه‌ها باید در برابر مغازه‌های تخریب شده و برخی در برابر سرقفلی به داوطلبان جدید واگذار شود و حق دسته اول مقدم است اما حتماً جهت این که سرمایه‌گذاران، به پول خود برسند باید مشتری داوطلب جدید را نیز پذیرفت.

۲- نحوه مشارکت مردم و تحویل معوض

راجع به اصل سوم یعنی مشارکت مردم و متخصصان و صاحبان سرمایه در طرحهای مورد نظر اعم از آپارتمان، بازار، انبار، و جز آن، و واگذاری معوض به صاحبان حق جهت حفظ حقوق همه افراد نکات ذیل را باید در نظر گرفت.

اولاً: زمین همواره در اختیار شهرداری باشد اعم از زمینهای دولتی خارج شهر، یا زمینهای آزاد شده داخل شهر، و شهرداری همواره با صاحبان سرمایه از آغاز تا پایان کار شریک باشد و نظارت کامل بر کارها داشته باشد.

ثانیاً: هیأتی را از طرف شهرداری و شرکاء برای تحویل و تحول و نقل و انتقال تعیین کنند که از آغاز تا پایان کار مرجع افراد صاحب حق باشند و صاحبان سرمایه مستقیماً طرف معامله با مردم نباشد.

ثالثاً: قراردادهای شهرداری با شرکا عادلانه و با محاسبه دقیق، قیمت زمین و واگذاری از طرف شهرداری و هزینه مصرف شده از طرف شرکا باشد. سهمی از مغازه‌ها و آپارتمانها از آن شهرداری در برابر زمین باشد که معوض به افراد صاحب حق واگذار شود و سهمی از آن

شرکا که با فروش آن بتوانند به سرمایه خود و سود حاصل از آن دست یابند.
رباعاً: در نقل و انتقال سند و تحویل مصالح ساختمانی تسهیلات لازم فراهم شود.

کیفیت نوسازی:

در نوسازی محله‌های مسکونی نکات ذیل رعایت شود.

۱- منحصرأ آپارتمان ساخته شود و حتی اگر به کسی زمین معوض بدهند باید از او تعهد نوییاد، خانه‌سازی بگیریند، و از این به بعد در مناطق نوسازی شده داخل شهر یا شهرکهای شهر تهران رعایت می‌شد تا بسیاری از مشکلات کنونی به وجود نمی‌آمد (و از هر جای ضرر که برگردیم منفعت است).

۲- در اجرای اصل ششم (رعایت سنتها) باید شیوه جدیدی در آپارتمان‌سازی ابتکار گردد مثلاً راههای بالا رفتن و پایین آمدن متعدد، و راهروها وسیع باشد بعلاوه نظر به این که مردم ما عادت به داشتن حیاط دارند در پیشانی آپارتمان، ایوانی مسقف متصل به هال یا سالن پذیرائی وجود داشته باشد که بتوان اطراف آن را با کرکره یا وسیله دیگر احاطه کرد به طوری که آپارتمانهای دیگر بر آن اشراف نداشته و این ایوان، حکم صحن حیاط را داشته باشد و نکته‌هایی از این قبیل.

۳- در کنار آپارتمانها، فضاهای سبز و امکانات رفاهی و فروشگاههای ضروری و باشگاههای ورزشی و باغ کودک و مدرسه و حمام و مسجد و نحو آن در نظر گرفته شود.

۴- بهسازی هوای تهران:

سخن آخر ما راجع به بهسازی هوای تهران است:

پیدا است، رعایت نکات بالا و پیاده کردن طرحهای یاد شده بخش عظیمی از آلودگیها را برطرف می‌کند، در عین حال نکات دیگری را باید بر آنها افزود.

۱- بزرگراهها و خیابانها به طور مستقیم تا فضای باز بیابان از طرف غرب و شرق و جنوب باز باشد تا هوای خارج به داخل شهر و بالعکس جریان داشته باشد.

۲- همان طور که گفته شد اگر بزرگراهها را تا خارج شهر و تا وسط بیابانهای اطراف به

طور مستقیم ادامه دادیم و در جریان هوا مؤثر افتاد باید به طور مستقیم بیابانهای اطراف بزرگراهها را تبدیل به فضای سبز کرد بخصوص آنها که در جهت جریان باد به داخل شهر قرار دارند تا هواهای سالمتری به شهر داخل شود.

۳- با این که در خلال مطالب قبل گفته شد اما به لحاظ اهمیت و تأثیر در بهسازی هوا به طور مشخص دو مرتبه عنوان می‌کنم که یکی از موانع سرعت حرکت وسایط نقلیه در داخل شهر، چهارراهها و چراغهای قرمز بیایی است و باید این موانع را با زدن پل برطرف کرد. اینک پیشنهاد می‌کنم خیابانهای اصلی شرق، غرب و شمال، جنوب بخصوص خیابان انقلاب از میدان آزادی تا میدان امام حسین از اولویت برخوردار است و باید سریعاً در چهارراههای اصلی این خیابان پل زده شود و چهارراههای فرعی آن مسدود گردد و وسایل نقلیه موظف به دور زدن از زیر پلها شوند تا لااقل در همین یک خیابان مرکزی وسایل نقلیه دچار وقفه و رکود و نتیجه باعث سنگینی ترافیک و آلودگی هوا نشوند و این عمل را تدریجاً به همه چهارراههای پررفت و آمد توسعه دهند.

۴- در پایان در مورد فضاهاى سبز بخصوص در خارج شهر یاد آور می‌شود که منحصراً از درختهای زینتی استفاده نشود بلکه می‌توان از کشت علوفه و درخت موکه بازدهی خواهد داشت بهره برند و اگر این عمل بطور جدی دنبال شود، ما فضاهاى سبز کم خرج و پر درآمد و خود کفا خواهیم داشت که قهراً در بهسازی مداوم هوا مؤثر خواهد بود.